

بررسی عملکرد خصوصی سازی در ایران

علی دینی ترکمانی

(کارشناس ارشد اقتصاد)

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

این مقاله به دنبال تعریف مفهوم خصوصی سازی، به بررسی دلایل آن از رویکردهای مختلف و پیش زمینه های خصوصی سازی موفق پرداخته است. سپس، عملکرد خصوصی سازی در ایران را طی سال های ۷۷-۱۳۶۸، به بحث گذاشته است.

«اصلاحات نسل اول» که در بسیاری از کشورها طی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در سطح وسیعی به کار گرفته شد، بیشتر با ارتقا و بهبود سیاست ها سر و کار دارد تا نهادها. این اصلاحات لزوماً کیفیت بخش عمومی را ارتقا ندادند حتی آن مواردی که مرتبط با این امرند. اکنون به دنبال اصلاحات نسل اول، ضرورت بهبود کیفیت بخش عمومی بارزتر شده است. برای وقوع این امر، اصلاحات نسل دوم ضروری است. بدون این اصلاحات ممکن است اصلاحات نسل اول خیلی سریع خالی از محتوا شوند.» (ویتو تنزی)^۱

«انتقال قواعد اقتصادی و سیاسی رسمی و موفق اقتصادهای بازاری غرب به جهان سوم و اقتصادهای اروپایی در حال گذار شرط کافی برای عملکرد اقتصادی نیست. خصوصی سازی نوش دارویی برای درمان بیماری عملکرد اقتصادی ضعیف نیست.» (داگلاث نورث)^۲

۱- تعریف خصوصی سازی

خصوصی سازی شامل اقدام ها و ترتیبانی می شود که بر نقش بخش خصوصی در سازماندهی فعالیت های اقتصادی می افزاید و از نقش بخش عمومی می کاهد. این اقدام ها عموماً شامل واگذاری مالکیت و یا مدیریت بنگاه های عمومی به بخش خصوصی می شود که با عناوینی چون «تمرکززدایی»، «اولویت دهی»، «سرمایه داری مردم گرا»

فروش دارایی ها به مردم و «مردمی کردن» همراه است. به طور کلی، خصوصی سازی در سه حوزه متمایز قابل طرح است: اول، خصوصی سازی فعالیت هایی است که بنگاه های عمومی، در یک بازار رقابتی به تولید کالاها یا مصرفی یا سرمایه ای می پردازند؛ دوم، خصوصی سازی فعالیت هایی است که بنگاه های عمومی به طور انحصاری کالاها و خدمات را تولید می کنند؛ این فعالیت های انحصاری را می توان به انحصارهای طبیعی (گاز، برق و آب) و انحصارهای مصنوعی - ناشی از محدودیت بنگاه های دیگر (اهم از داخلی و خارجی) در ورود به بازار - تقسیم کرد؛ سوم، خصوصی سازی خدمات بخش عمومی از جمله گردآوری زباله ها و خدمات مربوط به زندانیان است؛ در این حوزه دولت از طریق قراردادهای کلی یا جزئی انجام چنین خدماتی را به بخش خصوصی واگذار می کند.^۳

بر مبنای غایات و اهدافی که برای خصوصی سازی معمولاً در نظر گرفته می شود، از سه نوع خصوصی سازی می توان نام برد. اگر هدف مشارکت بیشتر شهروندان برای حضور در نظام اقتصادی و بهره مندی از درآمدهای بنگاه های عمومی، صرف نظر از موقعیت های درآمدی آنان، و همینطور نقش آفرینی در تصمیم گیری های اثرگذار بر زندگی آنان باشد، خصوصی سازی هدف سیاسی را دنبال می کند. معمولاً متافعان پرشور نئولیبرالیسم چنین غایتی را در چشم انداز خصوصی سازی می بینند و آن را به مثابه یکی از پایه های ساختمان فکری خود به کار می برند. اگر هدف از خصوصی سازی تامین کسری بودجه دولت و به طور کلی درآمدزایی از طریق فروش بنگاه ها به افرادی باشد که بیشترین قیمت را می پردازند، خصوصی سازی غایت مالی را دنبال می کند و می توان آن را خصوصی سازی مالی نامید؛ و چنانچه هدف تصحیح ساختار و افزایش کارایی نظام اقتصادی و بهره وری عوامل تولید از طریق تقسیم کاری صحیح تر میان بخش های دولتی و

خصوصی باشد. خصوصی‌سازی را می‌توان از نوع اقتصادی آن دانست.^۲

روش‌های اجرایی خصوصی‌سازی شامل موارد متعددی می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱- عرضه سهام (که به صورت عرضه سهام به عموم، به گروه‌ها یا افراد خاص و عرضه سهام ممتاز یا طلایی است).

۲- فروش دارایی‌های واحدهای دولتی و عمومی بعد از انحلال واحدها (در صورتی که اصولاً ساختار واحد قابل فروش و یا واحدها سودده نباشند).

۳- تفکیک مدیریت و مالکیت واحدها از هم، از طریق اجاره دادن واحدها به گروهی از مدیران بخش خصوصی که همراه با تعهدهای لازم صورت می‌گیرد.

۴- جلب مشارکت داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری جدید در واحدها.

۵- فروش به بخش تعاونی.

۶- واگذاری با مزایده (که روش‌های متعددی دارد).

هم در میان آن‌ها موج می‌زند، این را هم می‌بینیم که فعالیت اقتصادی عمدتاً بر محور بازار آزاد می‌چرخد.^۶ در اینجا، آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی معنا و مفهومی ندارد و آزادی اقتصادی در فضایی که دولت در آن با اقتدار کامل حضور پیدا می‌کند، نمی‌تواند به وجود آید؛ به دیگر سخن، خصوصی‌سازی شرط لازم برای بازسازی است و بازار نیز شرط لازم برای آزادی‌های مدنی!

در عمل، خصوصی‌سازی راهبردی است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ در عرصه اقتصاد جهانی دنبال شد. درباره چرایی ظهور این راهبرد دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. در یکسو، برخی از اقتصاددانان و نظریه‌پردازان شکست سیاست‌های دولت - محور "دولت رفاه" را در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و شکست راهبرد جایگزینی واردات را در کشورهای در حال توسعه علت اقبال و گرایش به سوی این راهبرد دانسته‌اند. در واقع با پیدایش بحران "رکود - تورمی" در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و لاینحل باقی ماندن معضلات و مشکلات توسعه‌ای در کشورهای توسعه نیافته، مفهوم "شکست دولت" در برابر "شکست بازار" مطرح شد و اقتصاددانانی چون بوکانان، کولاک و آن کروگر با تأکید بر "رانت خواری"^۷، مک کینون و "شاو" با تأکید بر "سرکوب مالی"^۸ در اقتصادهای دولت‌مدار تلاش کردند که نشان دهند موارد "شکست دولت" بیش از موارد "شکست بازار" است.

نتیجه نقدهای وارد بر نظریه و عمل سیاست اقتصادی دولت‌مدار، شکل‌گیری توافقی به نام "آجماع واشنگتن" است؛ اجماعی که میان سه نهاد مهم تنظیم‌گر جهانی - صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و خزانه‌داری آمریکا - به وجود آمد و سرنوشت سیاست‌های اقتصادی را طی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در چارچوب سیاست‌های موسوم به تعدیل و تثبیت رقم زد؛ خصوصی‌سازی یکی از اجزاء و مولفه‌های اصلی این مجموعه سیاست‌هاست.

برخی از اقتصاددانان رادیکال، چرخش در عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی از اواخر دهه ۱۹۷۰ به این سو را ناشی از بحران "انباشت سرمایه جهانی" در قالب سیاست‌های دولت‌مدار می‌دانند. از نظر این اقتصاددانان، انباشت سرمایه جهانی در مرحله‌ای از تکامل خویش نیاز به اقدام‌های حمایتی دولت‌ها داشت، اما پس از این مرحله تکاملی که با تغییرات مهمی در شیوه تولید کالاها، چه از نظر فنی و چه از نظر مکانی و جغرافیایی مصادف بود، نیاز به فضایی داشت که به راحتی بتواند خود را جابه‌جا کند؛ قطعات مختلف یک محصول را در مکان‌های مختلف تولید و در یک جا پس از مونتاژ روانه بازار کند. در این مرحله، به اقتضای اینکه تولید از حالت ملی خارج و به حالت فراملی و بین‌المللی تبدیل می‌شد، لازم بود که در عرصه انباشت سرمایه و تولید و تجارت مقررات‌زدایی صورت گیرد، نقش دولت‌ها برچیده شود و بخش خصوصی تمام زمام امور را به دست گیرد.^۹

خصوصی‌سازی که ابتدا در کشورهای توسعه یافته موج می‌زد در همان جا باقی نماند؛ این امواج جغرافیای کشورهای دیگری چون ایران را نیز دربرگرفت. اقتصاد ایران به علت جنگ هشت ساله ایران و عراق (۱۳۵۹-۶۷) طی این سال‌ها نمی‌توانست تن به چنین سیاست‌هایی بدهد، اما پس از پایان جنگ و با آغاز اولین برنامه توسعه اقتصادی (۱۳۶۸-۷۲) سیاست‌های تعدیل اقتصادی با محوریت خصوصی‌سازی آغاز شد و طی برنامه دوم نیز ادامه یافت. اکنون با توجه به گذشت تقریباً یک دهه از آغاز راهبرد خصوصی‌سازی در

۷- واگذاری از طریق عرضه کالای برگ به قیمت‌های کم یا مجانی به مردم.^۵

بنیان نظری راهکار و راهبرد خصوصی‌سازی معطوف به این نکته است که بخش خصوصی در مقایسه با بخش دولتی و عمومی از فرصت‌های موجود بهینه‌تر استفاده می‌کند و کارآمدتر است؛ زیرا، مبنای تصمیم‌گیری‌ها درباره مصرف و سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی قیمت‌های واقعی است. قیمت‌هایی که با ارسال علائم صحیح به بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان نقش مهمی در تخصیص بهینه منابع ایفاء می‌کند. علاوه بر این، چنانچه ذکر شد از این رویکرد خصوصی‌سازی شرط لازم برای حضور موثر مردم در صحنه اقتصادی و حتی سیاسی است. به تعبیر میلتون فریدمن «هر جا می‌بینیم عناصر عمده آزادی فردی وجود دارد و مردم کوچک و بازار در آن‌ها بهره‌ای از پیشرفت و رفاه مادی در اختیار دارند و امید به رفاه و پیشرفت در آینده

اقتصاد ایران، می‌توان به ارزیابی عملکرد آن پرداخت. در ادامه، ابتدا پیش‌شرط‌های موفقیت این سیاست از دیدگاه نظری مطرح می‌شود و سپس ضمن ارائه تصویری از فرآیند خصوصی‌سازی در ایران، به ارزیابی نقادانه آن پرداخته می‌شود.

۲- پیش‌شرط‌های موفقیت سیاست خصوصی‌سازی

پیچیده شدن نظام اجتماعی، دولت‌ها را با وظایف متعددی مواجه می‌کند. در چنین شرایطی، اصل کارآمدی ایجاد می‌کند که دولت متناسب با توان و ظرفیت خویش انجام وظایف مهم و اساسی را در اختیار گیرد و سایر وظایف را به بخش خصوصی واگذار کند. انباشت سرمایه در حوزه‌هایی که بازدهی اجتماعی بالایی دارد، اثبات سرمایه در بخش‌های پیشروی که می‌توانند به مثابه لوکوموتیو تحولات اقتصادی و دانش فنی عملی کنند و تامین تور ایمنی اجتماعی و توزیع مجدد درآمدی از جمله چنین وظایفی است که بر عهده دولت است. اما، تولید بسیاری از کالاها و خدمات که از نظر سوددهی برای بخش خصوصی جاذبه دارد و در عین حال این بخش توان و ظرفیت انجام آن را دارد، باید به بخش خصوصی واگذار شود. به عبارت دیگر، همانگونه که تقسیم کار صحیح میان بنگاه‌های مختلف بیشترین کارایی را برای اقتصاد دارد، تقسیم کار صحیح میان دو بخش دولتی - عمومی و خصوصی، در فضایی همراه با تفاهم، نیز شرط لازم سازماندهی کارایی نظام اقتصادی است.^{۱۰} بنابراین، در اقتصادی که دولت بیش از توان و ظرفیتش وظایفی را بر عهده گرفته است و واگذاری بخشی از آن وظایف، شرط لازم کارآمد کردن نظام اقتصادی است. به همین دلیل است که خصوصی‌سازی انجام می‌گیرد.

اما، داستان خصوصی‌سازی به همین جا، یعنی واگذاری‌ها در اشکال گوناگون آن، ختم پیدا نمی‌کند. هر چند، چنانچه ذکر شد، خصوصی‌سازی در اقتصادهایی که دولت زیر بار وظایف زیاد کمر خم می‌کند، شرط لازم افزایش کارآمدی است، اما شرط کافی نیست. موثر بودن این سیاست مستلزم پیش‌شرط‌های زیر است:

۱- بازارسازی پیش از خصوصی‌سازی: بازارسازی ناظر بر تامین و تدارک نهادی است که اجازه می‌دهد بازارها با کارکرد کارا عمل کنند؛ شرایطی چون حذف انحصارها و تامین تقارن اطلاعاتی، تنظیم مقررات و قوانین صحیح (مقررات و قوانینی که شفاف باشند و احتمال وقوع فسادهای مالی را به حداقل میزان ممکن کاهش دهند) از جمله این شرایط نهادی است. تجربه خصوصی‌سازی در برخی از کشورهای جهان مانند کره جنوبی نشان می‌دهد که در صورت نبود چنین شرایطی احتمال موفقیت کاهش می‌یابد و بر خلاف آنچه تصور می‌شود خصوصی‌سازی بهره‌وری و کارایی را افزایش نمی‌دهد. این که فضای مناسبی برای عملکرد کارایی بنگاه خصوصی شده تامین شود تأثیر مهمی در نتیجه خصوصی‌سازی دارد. برای مثال، عملکرد ۱۵ بنگاه خصوصی شده در کره جنوبی، در اوایل دهه ۱۹۸۰، نشان می‌دهد که تمام این بنگاه‌ها به یکسان از روند تغییر مالکیت سود نبرده‌اند. در حالی که میزان کارایی در شش بنگاه افزایش یافته، در دو بنگاه، پس از خصوصی‌سازی، کاسته شد. در هفت بنگاه باقیمانده آثار قابل ملاحظه‌ای در این خصوص دیده نشد. پنج شرکت خصوصی شده در اواخر دهه ۱۹۸۰ نیز عملکرد متفاوتی داشتند. در دو بنگاه میزان بهره‌وری افزایش یافت، ولی در سایر موارد بدون تغییر باقی ماند.

ساختار ناقص بازار، تداوم مقررات دولتی و دخالت در تصمیم‌گیری بنگاه‌ها و مدیریت نادرست منابع انسانی از جمله عوامل شکست برخی از بنگاه‌ها در زمینه بهبود عملکرد خود، تلقی شده‌اند.^{۱۱}

در همین راستا، از جمله عوامل مهم نهادی خصوصی‌سازی، ضرورت وجود بخش مالی قوی و کارآمد خصوصی است. نهادهای مالی کارآمد مستقل از ساخت دولت، با فرض وجود شفافیت و تقارن اطلاعات و هم‌منظور کارآمدی آن‌ها، می‌توانند سه نقش مهم در فرآیند خصوصی‌سازی داشته باشند. نخست، می‌توانند مسوول تجدید ساختار موسسه‌های دولتی گردند. دوم، برای تجهیز منابع مالی در واگذاری مالکیت به بخش خصوصی، منابع را تجهیز کنند و پس از خصوصی‌شدن، سرمایه در گردش و وجوه سرمایه‌گذاری را برای موسسه‌ها فراهم آورند. سوم، می‌توانند نقش برجسته‌ای در نظارت و کنترل فعالیت‌های مدیریتی داشته باشند.^{۱۲}

۲- تامین چارچوب سازمانی و تشکیلاتی مناسب و قوی: اجرای قوانین و مقررات صحیح و بازارسازی نیاز به عزمی جدی و سازمانی مناسب و کارا دارد. یکی از اموری که برای یک خصوصی‌سازی "خوب" بسیار مهم است مدیریت موثر و مفید واحدها در طول تبدیل ساختاری و حتی پس از واگذاری به بخش خصوصی است. وقتی از مدیریت موثر سخن می‌گوییم منظور این است که نظام اداره کننده در عین سادگی باید موثر نیز باشد. اگرچه باید برای حذف مقررات دست و پاگیر کوشید و به مدیران این واحدهای خصوصی شده امکان داد شیوه‌های مطلوب مدیریت را به کار بگیرند، در عین حال دولت باید به واقع مراقب اوضاع باشد که صاحبان شرکت‌های خصوصی به آنچه در متون اقتصادی گنجد کردن اموال^{۱۳} نامیده می‌شود دست نزنند، یعنی هر آنچه قابلیت نقد شدن دارد را نقد کرده و با ارسال این نقدینه‌ها به حساب‌های خارجی واحد را تعطیل کرده و بر بیکاری بیفزایند.^{۱۴}

۳- تعیین نحوه صحیح خصوصی‌سازی از نظر دوره زمانی: خصوصی‌سازی را می‌توان هم به صورت تدریجی و گام به گام، و هم به شکل انفجاری اجرا کرد. انتخاب هر کدام از این شیوه‌ها بسته به شرایط اقتصادی دارد که به دنبال اجرای سیاست خصوصی‌سازی است. در اقتصادهایی که تحت سلطه انحصارهای چند جانبه دولتی هستند و امکان شکستن این سلطه از طریق اقدام‌های تدریجی وجود ندارد، شیوه تکانه درمانی توصیه می‌شود. در چنین اقتصادهایی گروه‌های متشکل ذینفع در شرایط موجود در برابر اصلاحات مقاومت و آن را از محتوا خالی می‌کنند؛ از این رو، اقتصاددانان مدافع شیوه انفجاری معتقدند که با چنین شیوه‌ای امکان عمل و مقاومت چنین گروه‌هایی از بین می‌رود. در مقابل اقتصاددانان مدافع شیوه تدریجی، شکسته شدن مقاومت چنین گروه‌هایی را بیش از آن که متأثر از شیوه عمل بدانند، آن را در ساخت نظام اداری - سیاسی و عزم آن در اجرای تحولات و اصلاحات اقتصادی جست و جو می‌کنند.^{۱۴}

۴- تعیین نحوه صحیح خصوصی‌سازی از نظر شیوه واگذاری: واگذاری مالکیت بنگاه‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی، واگذاری جزیی یا کلی بنگاه‌ها، واگذاری به اشکال مختلف چون مزایده، عرضه به عموم از طریق بازار سهام، عرضه به نیروی کار بنگاه‌ها از جمله مسائلی است که مورد به مورد باید بررسی قرار گیرد.

در بخش‌هایی که انحصارهای طبیعی وجود دارد، واگذاری مالکیت

بنگاه‌ها به بخش خصوصی توصیه نمی‌شود. چرا که بخش خصوصی برای حداکثر کردن سود می‌تواند قیمت را افزایش و میزان تولید را کاهش دهد و در نتیجه ضمن کاهش مازاد رفاه مصرف‌کننده بر اشتغال نیز اثر منفی بگذارد. از این رو، در چنین شرایطی توصیه می‌شود که مدیریت بنگاه به بخش خصوصی واگذار و از دامنه نظارت‌ها و کنترل‌های دولتی کاسته شود. البته، اقتصاددانان معتقد به واگذاری مالکیت چنین بنگاه‌هایی، معتقدند که با ایجاد ساز و کارهای نظارتی قوی می‌توان از پیامدهای منفی مذکور جلوگیری کرد. برای مثال می‌توان از سازو کارهای زیر نام برد:

- میزان بازگشت سرمایه، درآمد - هزینه / مقدار سرمایه.

- نظام انگلیسی اعمال سقف قیمت (Price Cap)

در هر دو روش مذکور نماینده دولت در بنگاه واگذار شده حضور دارد. در روش اول، ضمن ارائه آزادی عمل قیمت‌گذاری به بنگاه، ناظر دولتی میزان بازگشت سرمایه‌ای را برای بنگاه تعیین و بر آن نظارت می‌کند. اشکال اساسی این روش آن است که اگر دولت حد مشخصی را برای نوسان‌های قیمتی تعیین نکند، بنگاه می‌تواند با افزایش بیش از اندازه قیمت به میزان بازگشت سرمایه هدف‌گذاری شده دسترسی پیدا کند. این روش زمانی موثر است که سقف قیمت نیز تعیین شود. در این صورت بنگاه ناچار از افزایش کارایی خود خواهد بود.

روش دوم اشکال مذکور را برطرف می‌کند و به بنگاه اجازه می‌دهد متناسب با میزان تورم و اهداف دولت قیمت کالای تولیدی را تعیین و تعدیل کند. سقف قیمت به صورت مابه‌التفاوت شاخص قیمت خرده‌فروشی و میزان تغییر مورد نظر ناظر دولتی تعریف می‌شود:

$$PC = \Delta CPI - X$$

PC سقف قیمت، ΔCPI تغییرات شاخص قیمت خرده‌فروشی و X میزان تغییر مورد نظر ناظر است. برای مثال چنانچه ΔCPI

۵ درصد و میزان تغییر مورد نظر ناظر دولتی (X)، ۸ درصد باشد، قیمت به اندازه (۵-۸)، یعنی سه درصد، باید کاهش یابد. البته، چنانچه بنگاهی مجموعه‌ای از کالاها را تولید کند، می‌تواند در مورد تک تک کالاها قیمت‌ها را به صورت‌های مختلف، برخی را در جهت افزایش و برخی را در جهت کاهش، تعدیل کند، اما میانگین وزنی تغییرات باید به میزانی باشد که از معادله فوق حاصل می‌شود؛ به طور نمونه در چارچوب مثال ذکر شده باید سه درصد کاهش را در هر حال نشان دهد. در این مورد نیز اشکال در این است که معیار دقیقی برای تعیین میزان تغییرات قیمت از سوی ناظر وجود ندارد.^{۱۵}

به طور خلاصه، از نظر برخی از اقتصاددانان، واگذاری مالکیت بنگاه‌ها در حوزه‌هایی که انحصارات طبیعی وجود دارد تنها به کاهش رفاه مصرف‌کنندگان منجر می‌شود و هر چند که از شیوه‌های نظارتی مختلف می‌توان بهره برد، اما، ماهیت این نوع فعالیت‌ها و معایبی که شیوه‌های نظارتی دارد، منافع مورد انتظار از خصوصی‌سازی را در این حوزه‌ها تامین نمی‌کند.

۵- تاکید بر هدف افزایش کارایی به جای تاکید بر هدف درآمدزایی: یکی از اهداف دولت‌ها از اجرای سیاست خصوصی‌سازی، درآمدزایی به منظور پوشش هزینه‌ها و کاهش کسری بودجه است. این هدف با این استدلال دنبال می‌شود که در صورت کاهش کسری بودجه، تورم کنترل و در نتیجه یکی از شرایط لازم برای انباشت سرمایه فراهم می‌شود. اما، هنگامی که این هدف بیش از اندازه مورد تاکید قرار می‌گیرد، خصوصی‌سازی به نوع مالی آن تبدیل و با شکست مواجه می‌شود، به دو دلیل: اول اینکه، چنانچه دولت بنگاه‌ها را با قیمت بالایی به بخش خصوصی واگذار و درآمدهای حاصله را صرف مخارج خود کند، ممکن است فقط ترکیب اجزای تقاضای کل تغییر کند؛ یعنی مخارج دولتی افزایش و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

جدول شماره (۱) - خصوصی‌سازی و واگذاری ۷۲-۱۳۶۸

(ارقام به میلیارد ریال)

شرح	سازمان منابع ملی ایران	سازمان گسترش و نوسازی	وزارت معادن و فلزات	بانک صنعت و معدن	سایر وزارتخانه‌ها	بناهای شهید	بناهای مستعین	جمع کل
امداد مؤسسات قبل از خصوصی‌سازی	۳۷۹	۱۲۲	۶۱	۱۲۲	۲۶۲	۲۱۲	۲۲۹	۱۵۹۹
امداد مؤسسات در مهرماه ۱۳۷۲*	۱۲۱	۹۷	۵۰	۱۹	۲۶۲	۲۱۲	۲۱۰	۱۱۷۱
امداد مؤسسات برگزیده برای خصوصی‌سازی در ۱۳۶۸	۲۹۲	۷۳	۲	-	۲۱	-	-	۳۹۱
امداد مؤسسات خصوصی شده ۴ مهر ۱۳۷۲ از طریق:	۶۶	۲۷	۱۱	۱۰۳	-	-	۱۹	۲۲۶
۱- بورس اوراق بهادار تهران	۴۱	۵	۷	۷۳	-	-	-	-
۲- پیشهاد مزایده	۱۸	۲	-	۳۰	-	-	-	-
۳- مذاکره‌های مستقیم	-	۳	۲	-	-	-	-	-
۴- اعلام نشده	۷	۱۵	-	-	-	-	-	-
درآمد خصوصی‌سازی ۴ مهر ۱۳۷۲	۱۳۹	۱۱۲	-	۲۸۱	-	-	-	۸۲۲
کل فروش در ۱۳۶۸	۸۵۱	۲۵۱	۲۰۰	-	-	-	-	-
کل اشتغال در ۱۳۶۸ (هزار نفر)	۱۲۰	۷۲	-	-	-	-	-	-

* تعداد مؤسسات در مهرماه سال ۱۳۷۲ به استثنای واحدهایی که توسط شرکت‌های هولدینگ، به ویژه سازمان صنایع ملی ایران، به مالکان اولیه پلاک‌گذاری شده است.

مآخذ: وزارت خرابی، شرکت سرمایه‌گذاری صنایع ملی ایران و برآوردهای بانک جهانی.

به نقل از: بانک جهانی، سرویس پرک بچریه، خصوصی‌سازی در ایران، بورس، شماره ۸.

کاهش یابد. ۱۶ دوم اینکه، هدف درآمدزایی سبب کاهش قدرت ابزارهای نظارتی بر بنگاه‌های واگذار شده در زمینه‌هایی چون قیمت‌گذاری کالا و عدم اخراج نیروی کار می‌شود؛ زمانی که بخش خصوصی بنگاه‌ها را با قیمت بالا خریداری می‌کند برای پوشش هزینه‌ها، یا قیمت کالاها و خدمات تولیدی را افزایش می‌دهد و تورم بیشتر را موجب می‌شود و یا از میزان نیروی کار می‌کاهد و بر دامنهٔ بیکاری می‌افزاید.^{۱۷}

به طور مستقیم در هیات دولت مطرح شود. از نظر نحوه واگذاری، سه شکل بورس، مزایده و مذاکره مستقیم با متقاضیان خرید (با اولویت تعاونی‌های تخصصی صنعتی) در نظر گرفته شد و از نظر نحوه مشارکت کارکنان شرکت‌های مورد واگذاری، تصویب شد که ۲۳ درصد سهام قابل واگذاری به قیمتی معادل میانگین قیمت اسمی و قیمت روز سهام به کارکنان این بنگاه‌ها (کارگر و کارمندان) واگذار شود.

در این تصویب نامه آمده است که درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها

۳- فرآیند خصوصی سازی در ایران

خصوصی‌سازی در ایران به عنوان یکی از اجزای اساسی سیاست‌های تعدیل و تثبیت از سال ۱۳۶۸ در قالب برنامهٔ اول توسعهٔ اقتصادی (۱۳۶۸-۷۲) مطرح شد. اما، در عمل، از سال ۱۳۷۰، پیرو تصویب نامهٔ شمارهٔ ۵۲۸۳/ت/۱۰۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۲۹ هیات وزیران، سیاست واگذاری سهام متعلق به دولت و سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی تصویب شد و موارد واگذاری (شامل دو فهرست (۱) و (۲)) و مسایلی چون نحوه واگذاری، نحوه مشارکت کارکنان، و نحوه استفاده از وجوه حاصله در آن بیان شده بود.

شرکت‌های مورد واگذاری شامل شرکت‌های تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران (۲۹۳ واحد)، سازمان گسترش و نوسازی ایران و وزارتخانه‌های معادن و فلزات (۴ مورد) و بازرگانی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نفت، مسکن و شهرسازی و کشاورزی (۲۱ مورد) می‌شد که در مجموع ۳۹۱ شرکت را دربرمی‌گرفت. جدول شماره (۱) تعداد شرکت‌های خصوصی‌سازی شده را تا سال ۱۳۷۲ نشان می‌دهد.

از نظر سازمانی، برای حسن اجرای خصوصی‌سازی، کمیسیونی مرکب از وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع، صنایع سنگین، کار و امور اجتماعی و روسای سازمان‌های برنامه و بودجه و بانک مرکزی به ریاست معاون اول رئیس جمهور تشکیل شد تا تصمیم‌گیری این کمیسیون در مورد آیین‌نامه‌ها و سایر مسایل مربوط به خصوصی‌سازی

جدول شماره (۳) - عملکرد واگذاری سهام توسط بانک صنعت و معدن به تفکیک روش های واگذاری و خریداران از سال ۱۳۶۸ لغایت پایان سال ۱۳۷۶

سال	روش واگذاری	کدام سهام واگذار شده				ارزش سهام واگذار شده (میلیون ریال)			
		پیش خصوصی	بانکها	تسهیلات و موسسات	جمع	پیش خصوصی	بانکها	تسهیلات و موسسات	جمع
۱۳۶۸	بورس	۷۸۶۹۶۷	---	---	۸۷۹۶۶۷	---	---	۲۳۳۷۲	۲۳۳۷۲
	سایر روش ها	---	---	۲۸۷۵۰	۲۸۷۵۰	---	---	۲۸۷۵۰	۲۸۷۵۰
۱۳۶۹	بورس	۵۳۹۹۲۰۱	---	---	۵۳۹۹۲۰۱	---	---	۲۱۰۳۰۸۸	۲۱۰۳۰۸۸
	سایر روش ها	---	---	۷۹۱۳۱	۱۳۲۱۷۲	---	---	۶۰۲۷۷	۱۵۲۲۴۹
۱۳۷۰	بورس	۱۱۲۵۲۱۱۷	---	---	۱۱۲۵۲۱۱۷	---	---	---	۸۳۹۱۱۷
	سایر روش ها	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۳۷۱	بورس	۱۳۷۰۰۰	---	---	۱۳۷۰۰۰	---	---	---	۵۷۲
	سایر روش ها	۱۸۹۱۶۰	---	۵۷۷-۲۸۷	۵۳۹۶۶۷	---	---	۲۸۲۲۲	۵-۲۱۹
۱۳۷۲	بورس	۲۳۲۲۲۱۲۱	---	۵۲۶۶۷	۲۳۲۲۲۱۲۱	---	---	۲۱۶/۱	۱۹۲۸۵۱/۱
	سایر روش ها	۲۳۲۲۲۱۶	---	۲۵۲۵۱	۲۳۲۲۲۱۶	---	---	۱۰۰۵۶/۱	۱۲۵۰۲/۲
۱۳۷۳	بورس	۲۱۱۳۲۰۱	---	---	۲۱۱۳۲۰۱	---	---	---	۱۶۵۸۲
	سایر روش ها	۲۸۱۱۳۲۱	---	۱-۸۲۶۷	۲۸۱۱۳۲۱	---	---	۱۸۱۸۳/۱	۵۳۷۰
۱۳۷۴	بورس	۲۸۹۹۳۲۸	---	۳۲۵۰۱۰	۲۸۹۹۳۲۸	---	---	۵۲۶۶۲	۱۳۲۰۱۵۲
	سایر روش ها	۸۸-۲۲۵	---	۹۸۷-۱۱	۳۲-۷۹۹۲	---	---	۲۰۰۰/۵	۲۰۲۵۰
۱۳۷۵	بورس	۲۲۲۸۲۶۵	---	---	۲۲۲۸۲۶۵	---	---	---	۲۱۲۸
	سایر روش ها	۳۳۳۸۰	---	۱۷۵۸۱۳۰	۱۸۵۹۹۱۳	---	---	۸۲-۷۹۷/۲	۱۸۱۳۲/۲
۱۳۷۶	بورس	۲۲۱۷۳۲۱۵	---	---	۲۲۱۷۳۲۱۵	---	---	---	۸۵۱۶-۳۸
	سایر روش ها	۱۳۳۲۱۹	---	۱۲۰۱۲۵۲۲	۱۳۳۲۱۹	---	---	۱۲۰۸۸۰/۲	۱۲۵۲۶۲/۲
جمع	---	۸۳۷۵۲۶۷۱۶۷	---	۳۲۱۲۸۲۰۵۱۲	۱۷۵۷۸-۲۹۲۱/۱	---	---	۳۹۰۲۸۶/۲	۱۲۵۵۸۰۲۱۲
میانگین (درصد)	---	۳۷/۷	---	۲۵/۱	۲۷/۲	---	---	۲۱/۱	۱۰۰

مکان: بانک صنعت و معدن - دفتر فروش سهام

جدول شماره (۴) - عملکرد واگذاری سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران بر حسب ترکیب خریداران

واحد: میلیون ریال

سال	پیش خصوصی				تسهیلات و موسسات				جمع کل			
	مقدار		ارزش		مقدار		ارزش		مقدار		ارزش	
	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ	درصد	مبلغ
۱۳۶۸	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۳۶۹	۱۰۰	۳۸۰۸۸	---	---	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۳۷۰	۱۰۰	۲۲۶۲۳۲	۱۰۰	۳۸۰۸۸	۱۲/۵	۳۸۲	۲/۰۰	۱۵۹۹۶	۸۵/۵	۲۹۷۵	۹۵/۹۲	۲۲۵۲۳۲
۱۳۷۱	۱۰۰	۲۲۹۱۳۹۹	۱۰۰	۸۶۰۲۱۸	۶۶/۱۱	۶۲۰۵۲	۲۸/۱۲	۲۱۸۷۱۹	۲۲/۸۸	۳۳۳۲۱	۵۱/۸۶	۲۲۹۱۳۹۹
۱۳۷۲	۱۰۰	۵۲۹۱۸۵۵	۱۰۰	۱۵۵۳۳۵۵	۶۶/۲۶	۷۹۰۰۵	۲۲/۱۹	۱۰۰۶۱۵۰۰	۲۲/۲۲	۲۰۲۵	۲۵/۳۱	۵۲۹۱۸۵۵
۱۳۷۳	۱۰۰	۱۵۱۸۵۸۵۲	۱۰۰	۲۸۲۰۰۲۱۲	۲۲/۲۲	۲۹۰۷۹	۲۶/۱۵	۱۲۰۱۳۶۹	۵۶/۸۸	۶۲۲۶۵	۵۲/۸۵	۱۵۱۸۵۸۵۲
۱۳۷۴	۱۰۰	۱۰۶۸۷۶۵	۱۰۰	۲۷۲۰۲۳۸	۸۰/۰۲	۲۲۰۰۲۶	۲۷/۲۲	۳۶۵۰۸۵۱۲	۱۹/۶۷	۵۲۹۱۳	۲۲/۶۶	۱۰۶۸۷۶۵
۱۳۷۵	۱۰۰	۲۳۹۶۵۷۸	۱۰۰	۶۱۹۲۰۱۸۲	۶۶/۲۶	۵۰۱۱۰۳	۲۷/۲	۲۹۱۲۶۰۲	۲۲/۲۲	۲۳۸۵۵۶	۵۲/۸	۲۳۹۶۵۷۸
۱۳۷۶	۱۰۰	۵۳۳۱۱۸	۱۰۰	۵۸۱۳۳۹۳	۳/۷	۲۱۵۲	۶/۸	۲۰۱۳۷۵	۹/۳	۵۶۱۷۸	۹۲/۲	۵۳۳۱۱۸
۱۳۷۷	---	---	۱۰۰	۱۰۹۵۹۰۰۰۰	---	---	---	---	---	---	---	---
۱۳۷۸	---	---	۱۰۰	۱۹۸۸۷۰۰۰۰	---	---	---	---	---	---	---	---
جمع کل	۱۰۰	۷۲۸۳۱۱۹۰	۱۰۰	۲۵۰۹۲۵۸۳	۳/۵	۹۱۹۲۵۲	۵۲/۱۶	۹۲۵۲۶۳۲۲	۳/۵	۵۲۷۵۵۱	۲۵/۲	۷۲۸۳۱۱۹۰

مکان: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران

باید صرف بازپرداخت بدهی‌ها، بازپرداخت بدهی‌های گذشته شرکت‌ها در چارچوب طرح‌های عمرانی، تامین کمبود منابع شرکت‌های موجود غیرقابل واگذاری، تخصیص به پروژه‌های ناتمام و اجرای طرح‌های تولیدی مورد نیاز کشور که بخش خصوصی انگیزه‌ای برای اجرای آن‌ها ندارد شود.

۴- بررسی عملکرد خصوصی سازی در دوره ۷۷-۱۳۶۸

۴.۱. عملکرد کلی

بررسی دقیق عملکرد خصوصی سازی در ایران بر اساس متغیرها و شاخص‌های واحد، به علت نبود سری زمانی آن‌ها، امکان پذیر نیست. تنها داده برای دوره ۷۷-۱۳۶۸، ارزش واحدهای واگذار شده است. از این رو، برای ارائه تصویری کلی و اجمالی از عملکرد خصوصی سازی، ابتدا بر مبنای ارزش واحدهای واگذار شده بررسی صورت می‌گیرد.

سهام سازمان صنایع ملی ایران، سازمان گسترش و نوسازی و بانک صنعت و معدن به ترتیب برابر با ۲۵/۵، ۲۴/۲ و ۲۰/۹ درصد است؛ مابقی، ۲۹/۴ درصد، متعلق به سایر دستگاه‌های دولتی واگذار کننده است. واگذاری‌ها به تفکیک نحوه روش نشان می‌دهد که ۶۹/۶ درصد از طریق عرضه سهام در بازار بورس و ۳۰/۴ درصد از طریق روش‌های دیگر (مزایده، مذاکره و فروش به مالکان قبلی) صورت گرفته است. البته، روند واگذاری از طریق بازار بورس طی این دوره، در مورد سه دستگاه اصلی واگذار کننده، رفته رفته، کمتر شده است.

عملکرد واگذاری به تفکیک بانک صنعت و معدن و سازمان گسترش و نوسازی (جداول ۴ و ۳) نشان می‌دهد که سهم واگذاری به بخش خصوصی کمتر از نهادها و موسسه‌های عمومی (بانک‌ها و نهادهای عمومی) است. در مورد بانک صنعت و معدن از کل ۱۵۵/۸ میلیارد ریال واگذار شده، سهم بخش خصوصی ۴۶/۱ و سهم بانک‌ها و نهادهای عمومی ۵۳/۹ درصد و در مورد سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به ترتیب برابر ۳۶/۵ و ۶۳/۵ درصد است.

از این نکات می‌توان دو نتیجه مهم گرفت. اول اینکه بیش از نیمی از واگذاری‌ها، به بانک‌ها و نهادهای عمومی ارائه شده است. بنابراین در اصل تنها یک جابه جایی میان دستگاه‌ها و نهادهای عمومی، یعنی تغییر در ترکیب، صورت گرفته است (اینکه چرا بانک‌ها و سایر نهادهای عمومی خریداران اصلی بنگاه‌های واگذار شده بودند و این اقدام چه تاثیری در عملکرد واگذاری‌ها داشته است، در بخش بعدی مورد بررسی قرار خواهد گرفت).

نکته دوم این است که رفته رفته سهم بازار بورس در واگذاری‌ها کاهش و سهم اشکال دیگر (مذاکره و مزایده) آن هم بدون اعمال قیود و محدودیت‌هایی درباره حفظ سطح اشتغال یا اعمال سقف قیمت افزایش یافته است. این مسأله خود ناظر بر چند نکته مهم است: اول

داده‌های موجود نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۸ تا آغاز نیمه دوم سال ۱۳۷۷، در مجموع به میزان ۶۱۲۷/۴ میلیارد ریال خصوصی سازی در اشکال گوناگون آن (عرضه سهام به عموم مردم و مزایده به بخش‌های دولتی و خصوصی) صورت گرفته است (جدول شماره ۲).

ادامه جدول شماره (۶) - خصوصی سازی و واگذاری مؤسسات دولتی و مربوط به بنیادها

نوع	۱۳۹۸		۱۳۹۷		۱۳۹۶		۱۳۹۵		۱۳۹۴		جمع کل
	ارزش (میلیون ریال)	تعداد سهام (هزار سهم)	ارزش (میلیون ریال)	تعداد سهام (هزار سهم)	ارزش (میلیون ریال)	تعداد سهام (هزار سهم)	ارزش (میلیون ریال)	تعداد سهام (هزار سهم)	ارزش (میلیون ریال)	تعداد سهام (هزار سهم)	
بانکهای تجاری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
بانک سپه	۲۲	۲۰۹	۹۷۵	۹۱۱	-	-	-	-	-	-	۲۲۱۲۷۰۰
بانک تجارت	-	-	-	-	۲۳۰۱۰۰	۲۱۹	-	-	-	-	۲۳۰۸۱۰۰
بانک ملی	۶۱	۹۲	-	-	۱۱۶۰۳۰۰	۲۱۲	-	-	-	-	۱۸۳۰۲۰۰
بانک صادرات	۹	۱۱	۷	۲	-	-	-	-	-	-	۱۵
بانک ملت	۰۲	۰۲	-	-	۱۲۳۲۲۰۰	۱۶۹۹۰۰	-	-	-	-	۲۱۲۰۶۰
بانک کشاورزی	۱	۲	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۲۷۶۸۰۰
بانک صنعت و معدن	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۹۱۸۸۰۰
استان مازندران	-	-	-	-	۱۱۶۶۲۰۰	۲۲۲	-	-	-	-	۱۱۶۶۲۰۰
بانک و فلذارگران	-	-	-	-	۸۰۰۲۱۰۰	۱۲۵۵۰۰	-	-	-	-	۱۵۱۰۰۰
بانک مسکن	۲۳	۲۹	-	-	-	-	-	-	-	-	۲۹
استان هرمزگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
جمع کل	۱۶۱۳	۳۳۲۷	۱۳۱۶۱۰	۷۱۱۲۲۰	۲۳۲۵۰۰	۱۲۶۹۲۰۰	۷۱۹۹۲۰۰	۱۳۱۶۱۰	۳۳۲۷	۱۶۱۳	۱۸۷۱۰۰۰
شرکت های سرمایه گذاری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
سرمایه گذاری بانک سپه	-	-	-	-	۲۶۶۶۲۰۰	۲۶۶۶۰۰	-	-	-	-	۳۳۲۶۶۰۰
سرمایه گذاری بانک صادرات	-	-	-	-	۲۱۸۸۰۰	۶۱۲	-	-	-	-	۳۹۱۳۲۰۰
سرمایه گذاری بانک ملت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۱۱۳۲۰۰
سرمایه گذاری بانک ملی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶۱۳۲۰۰
کارگزاری بانک سپه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶
جمع شرکت های سرمایه گذاری	-	-	-	-	۱۰۲۳۹۰۰	۶۹۹۱۷۰۰	-	-	-	-	۲۰۲۳۲۰۰
جمع کل	۱۶۱۳	۳۳۲۷	۱۳۱۶۱۰	۷۱۱۲۲۰	۱۲۶۹۲۰۰	۱۲۵۶۱۱۰۰	۷۱۱۲۲۰	۱۳۱۶۱۰	۳۳۲۷	۱۶۱۳	۲۸۱۳۲۰۰

مأخذ: سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران

جدول شماره (۷) - مقایسه نسبت های مالی بر مبنای ارزش دفتری

(بدون به کارگیری تکنیک های آماری)

صنایع	دوران قبل از خصوصی سازی			دوران پیمان خصوصی سازی		
	نسبت های تمام شده به فروش	بازده جمع	بازده حقوق	نسبت های تمام شده به فروش	بازده جمع	بازده حقوق
نساجی	۳۹/۶۶	۹/۰۶	۳۲/۱۸	۷۸/۲۲	۱۲/۳۹	۳۲/۰۶
مصنوعات غذایی	۸۲/۶۲	۱۲/۳۲	۳۹/۲۲	۷۵/۶۲	۲۶/۱۸	۸۲/۶۸
مواد و مصنوعات شیمیایی	۶۹/۲۱	۱۲/۲۶	۶۸/۰۰	۷۲/۵۷	۱۵/۲۰	۷۱/۹۸
مصنوعات کالشی	۶۸/۶۶	۱۵/۸۲	۲۸/۲۲	۲۳/۸۰	۱۸/۸۸	۶۲/۲۲
مصنوعات فلزی غیر آهنی	۷۱/۱۰	۱۵/۳۰	۱۰۸/۰۲	۶۵/۲۲	۲۲/۹۷	۸۲/۶۸
ساخت ماشین آلات و تجهیزات	۶۳/۵۷	۱۲/۹۲۰	۸۸/۸۲	۵۹/۵۲	۱۶/۱۲	۸۸/۱۲
فلزات اساسی	۶۸/۹۷	۱۶/۵۲	۱۹/۰۱	۸۰/۲۲	۱۸/۱۲	۵۲/۲۶
دستگاه ها و وسایل ارتباطی	۶۱/۹۳	۱۸/۳۲	۵۹/۳۹	۷۵/۵۰	۲۰/۶۲	۱۰۰/۹۸
ساخت وسایل نقلیه موتوری	۶۶/۳۳	۱۸/۳۱	۱۰۲/۸۳	۶۱/۸۵	۲۸/۰۲	۷۲/۵۶

مأخذ: پشین

اینکه بازار بورس به علی که مورد بحث قرار خواهد گرفت در زمینه واگذاری ناکاراست. کافی است میزان کل واگذاری‌های دولتی از طریق بازار بورس، ۴۲۶۷/۱ میلیارد ریال طی دوره ۷۷-۱۳۶۸ یا سهام واگذار شده شرکت‌های خصوصی، یعنی ۵۳۷۳/۲ میلیارد ریال، مقایسه شود. دوم اینکه، افزایش سهم واگذاری‌ها در اشکال مذاکره و مزایده، در شرایطی که قوانین و مقررات چندان محکمی وجود ندارد، می‌تواند پدیده فساد مالی را دامن بزند و تنها شکل رانت‌خواری و انحصار را تغییر دهد.

ترکیب خریداران سهام شرکت‌های واگذار شده و روند آن نشان می‌دهد که از مجموع سهام فروخته شده تا سال ۱۳۷۳، ۳۳/۴ درصد به بخش خصوصی کوچک مقیاس، ۲۵/۸ درصد به بخش خصوصی بزرگ مقیاس، ۲۴/۱ درصد به سازمان تامین اجتماعی، ۹/۵ درصد به بانک‌ها و ۶/۳ درصد به نهادها و سایر موسسات واگذار شده است. ۱۸. همچنین بر مبنای اطلاعات سازمان بورس، در حالی که طی سال‌های ۶۹-۱۳۶۸ تمام سهام واگذار شده را بخش خصوصی خریداری کرده، طی سال‌های ۱۳۷۰ به بعد بخش عمومی و سیستم بانکی نیز به صورت خریدار در بازار سهام حضور پیدا کرده‌اند و در نتیجه سهم بخش خصوصی در سال ۱۳۷۲ به ۶۵ درصد کاهش یافته است. (جدول شماره ۵)

نکته قابل توجه دیگر در فرآیند خصوصی‌سازی ایران،

محدودکردن واگذاری‌ها به بنگاه‌های تحت مالکیت دولت و عدم توجه جدی به واگذاری‌های بنگاه‌های تحت پوشش نهادهای عمومی چون "بنیاد مستضعفان"، "بنیاد بعثت"، "بنیاد شهید" و "بنیاد ۱۵ خرداد" است. اطلاعات جدول شماره (۶) نشان می‌دهد که طی سال‌های ۷۲-۱۳۶۹ از کل واگذاری‌های انجام شده (۱۲۲۵/۳ میلیارد ریال) سهم بنیادهای مذکور فقط ۱۴/۸ میلیارد ریال بوده است. این در حالی است که بسیاری از بنگاه‌های تحت پوشش این بنیادها شرایط لازم برای واگذاری را داشته‌اند.

علاوه بر این، همانگونه که پیشتر ذکر شد، بانک‌های تجاری از سال ۱۳۷۰ به بعد، خریداران اصلی سهام در بازار بورس تهران بوده‌اند. اطلاعات مربوط به خرید سهام بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری تابعه آن‌ها (جدول شماره ۶) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۲، ۹۳/۸ درصد از سهام فروخته شده شرکت‌های دولتی را این نهاد مالی خریداری کرده است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری و تابعه بانک‌ها که در سال ۱۳۷۰ تاسیس شده‌اند، طی سال‌های ۷۲-۱۳۷۰، ۳۰۲/۶ میلیارد ریال از سهام فروخته شده (۸۳۶/۷ میلیارد ریال) را جذب کرده‌اند. حضور این شرکت‌های سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده کمبود تقاضا از سوی سرمایه‌گذاران منفرد بخش خصوصی در بازار بورس است. پیامد این مساله این است که عملاً تصویر خصوصی‌سازی در ایران مخدوش می‌شود. در همین باره، بانک جهانی به هنگام بررسی تجربه

جدول شماره (۹) - تغییرات برخی شاخص های مالی در شرکت های واگذار شده در ۵ ساله
پس از واگذاری (۷۳-۱۳۶۸) - درصد

شاخص	کل نمونه مورد بررسی	افزایش	کاهش	شاخص
سود سواکه (سود) تعداد کارکنان	۳۱	۲۵	۲	
فروش سواکه (فروش) تعداد کارکنان	۳۱	۲۶	۱	
نسبت بازدهی (سود) دارایی	۳۱	۲	۷	۲۲
سود آوری عملکرد (سود) فروش	۳۱	۱۸	۱۳	-
درصد استفاده از ظرفیت اسمی	۳۱	۲	۱۰	۱۷

مأخذ: اکبر کمیجانی و مهری رحیمی فر، ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی سازی از طریق شاخص های مالی/ عملیاتی

شرکت های واگذار شده، اقتصاد و مدیریت، بهار ۱۳۷۷، شماره ۳۶، ص ۳۶.

جدول شماره (۱۰) - اطلاعات مربوط به شاخص های مالی/ عملیاتی در شرکت های واگذار شده

نام شرکت	میانگین فروش (میلیون ریال)		میانگین سود قبل از کسر مالیات (میلیون ریال)		میانگین سود قبل از کسر مالیات (میلیون ریال)		میانگین سود قبل از کسر مالیات (میلیون ریال)	
	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری
۱- صنایع بهادر	۱۶۶	۱۹۵۰۰	۱۲۸/۱	۱۷۵۷۰۰	-	-	۱۷۸۲۰/۶	-
۲- تیغ ایران (گنبران)	۷۰۲/۸	۱۱۰۲۰	(۱۹۹/۹)	۳۷۸۰	۳۰۸	۳۰۸	۱۱۱۹/۲	۸۱۴/۲
۳- گلدن لوتوس	۱۰۱۱/۵	۱۵۳۹۰	۹۷	۵۵۰۰	۱۵۳	۱۵۳	-	-
۴- تولید کاش	۵۶۵۸	۷۰۱۰۰	۸۹۲/۳	۱۸۸۰۰	۷۵۰	۷۵۰	-	۳۹۰۱۷
۵- پشم شیشه ایران	۲۳۶۰/۵	۲۱۸۷۸/۱	۵۲۸	۸۱۲۰	۲۵۵	۲۵۵	-	۱۵۷۰۵/۲
۶- کاشی اصفهان	۳۸۵۲/۸	۳۶۲۰۰	۳۹۵/۸	۱۲۱۰۰	۱۲۵۶	۱۲۵۶	-	۲۰۸۹۹/۱
۷- پسته بندی ایران	۶۱۵۵/۸	۵۲۱۲۰	۵۶۶/۳	۸۸۹	۱۳۵۲	۱۳۵۲	-	۳۱۱۹۹/۳
۸- پرویت	۹۲۲/۶	۸۱۰۰	۶۵۰/۵	۱۱۰۰/۱	۲۹۹	۲۹۹	-	۲۱۸۲/۱
۹- سیمان شمال	۳۲۲۲/۵	۳۰۸۲۰/۱	۳۹۲/۲	۱۶۸۵	۸۷۵	۸۷۵	-	۳۱۱۲۵/۹
۱۰- گلدن لوتوس	۱۳۱۲/۷	۱۰۵۹۰	۳۹/۱	۱۷۳۰	-	-	-	-
۱۱- آفت	۳۲۲۲/۹	۳۶۶۰۰	۷۱۱/۷	۹۸۰۰	۹۳۲	۹۳۲	۵۲۹۷/۶	۸۷۲۰۰
۱۲- تولیدی نهم	۱۵۲۳	۱۰۲۰۰	۱۰۲/۲	۱۲۰۰	۲۸۹	۲۸۹	-	۹۸۹/۸
۱۳- کابین ایران	۵۸۶۶/۲	۳۸۹۵۵/۲	۱۸۰	۸۰۶۹/۵	۵۹۲	۵۹۲	-	۲۰۸۰۲/۲
۱۴- سیمان کرمان	۵۲۸۶/۳	۳۵۵۲۲/۷	۸۷۶/۵	۱۳۳۵/۱	۹۸۵	۹۸۵	-	۲۰۸۰۲/۲
۱۵- سیمان لاریجان	۵۱۵۵/۳	۳۲۷۰۰	۳۲۰/۳	۱۰۱۰۰	۷۲۶	۷۲۶	-	۵۲۰۸۰/۱
۱۶- اراج	۱۲۸۵۵/۶	۸۹۹۰۰	۳۵۸۵/۸	۱۹۵۰۰	۳۲۰۰	۳۲۰۰	۸۸۵۲/۶	۸۷۲۰۲
۱۷- خوراک دام پارس	۶۸۲۲/۶	۳۲۷۰۰	۳۹۲/۸	۳۲۰۰	-	-	۳۲۶۱/۵	-
۱۸- شیشه قزوین	۹۶۱۷/۶	۳۷۰۰۰	۵۲۹۲/۱	۱۸۰۰۰	۱۳۹۲/۵	۱۳۹۲/۵	۷۳۲۳/۸	۸۱۲/۵

جدول شماره (۱۰) - اطلاعات مربوط به شاخص های مالی عملیاتی در شرکت های واگذار شده

نام شرکت	حیثیت سود قابل اذکار (میلیون ریال)		سود خالص (میلیون ریال)		نسبت ارزش کل سهامی ها		سود سرانه (میلیون ریال)	
	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری
	۱۳۶۸-۶۷	۱۳۶۸-۶۷	۱۳۶۲-۶۶	۱۳۶۲-۶۶	۱۳۶۱-۶۱	۱۳۶۱-۶۱	۱۳۶۱-۶۱	۱۳۶۱-۶۱
۱۹- حاصل وای بی هم کلان	۱۱۳۱/۲	۸۳۷/۵	۱۱۳۸/۲	۱۱۳۸/۲	۳۱۰۹	۳۰۲۸	۵۰۷۰۰	۱۱۳۸/۲
۲۰- پارس چوب	۲۰۸۷/۹	۱۳۲۰۰/۵	۱۳۲۰۰/۵	۱۳۲۰۰/۵	۱۳۶۸	۱۹۹۹	۲۰۱۹۹/۲	۱۳۲۰۰/۵
۲۱- ایران روک	۹۱/۶	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۲۱۲۰	۱۱۲۸	۸۲۲	۲۰۲۲۰	۲۱۲۰
۲۲- ایران پارس	۲۵۱/۲	۳۲۰۰	۳۲۰۰	۳۲۰۰	۲۶۲	۳۰۸	۱۵۸۰۰	۳۲۰۰
۲۳- ایران فرم	۱۲۸/۵	۲۸۲/۲	۲۸۲/۲	۲۸۲/۲	۵۲	۲۲	۲۸۲۰/۱	۲۸۲/۲
۲۴- فرش پارس	۱۹۵۲/۹	۱۶۲/۵	۱۶۲/۵	۱۶۲/۵	-	-	۲۱۹۷۲/۱	۱۶۲/۵
۲۵- ایران فرانسو	۲۲۰/۱	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰	-	۱۲۶۰	۲۸۲۰۰	۱۰۰۰۰
۲۶- سرهنگ آفرین	۵۲۸/۲	۲۵۲/۵	۲۵۲/۵	۲۵۲/۵	-	۲۶۲	۲۳۲/۵	۲۵۲/۵
۲۷- پارس پستال	۱۳۲۸/۲	۳۹۲/۵	۳۹۲/۵	۳۹۲/۵	۱۵۸	۲۲۲	۱۱۰۲۸/۸	۳۹۲/۵
۲۸- پارس پارس	۹۶۲/۵	۲۵۲/۵	۲۵۲/۵	۲۵۲/۵	۱۵۸	۲۲۲	۲۵۲/۵	۲۵۲/۵
۲۹- پارس پارس	۲۵۲/۲	۱۵۸۲/۲	۱۵۸۲/۲	۱۵۸۲/۲	۲۲۲	۱۳۲۸	۲۲۲۰	۱۵۸۲/۲
۳۰- خاوران پارس	۱۲۰/۶	۲۲۲/۱	۲۲۲/۱	۲۲۲/۱	۲۱۰	۱۶۲	۲۲۲/۲	۲۲۲/۱
۳۱- پارس پارس	۱۵۸۲/۹	۵۵۲/۱	۵۵۲/۱	۵۵۲/۱	۱۰۱۱	۱۲۱۵	۱۸۰۲۲/۸	۵۵۲/۱

توضیح: داده ها مطابق صورت های مالی و اطلاعات شرکت های واگذار شده در سال های قبل و بعد از واگذاری. مربوط به آن ها در دسترس نبوده است. نسبت ارزش کل سهامی ها بر مبنای ارزش اسمی محاسبه شده است.

جدول شماره (۱۲) - تغییرات برخی شاخص های مالی در شرکت های واگذار شده به روش مزایده

شاخص	قبل از واگذاری	بعد از واگذاری	تغییر
تولید	۵	۳	۲
تولید سرانه	۵	۳	۲
فروش	۵	۵	-
سود (ریال)	۵	۲	۱
امثال	۵	۲	۱
فروش سرانه	۵	۵	-
سود آوری عملکرد	۲	۲	۳

محل: سازمان صنعت و معدن و تجارت استان تهران - گزارش عملکرد واگذاری از سال ۱۳۶۹ تا پايان اسفند ماه ۱۳۷۲

به نقل از: بهمن، ص ۳۹

جدول شماره (۱۱) - عملکرد دستگاه های واگذار شده به روش مذاکره (مزایده)

نام شرکت	موضوع فعالیت	درصدمهم واگذاری شده	نوع واگذاری
تولید پستون ایران	تولید پستون	۷۱/۲	واگذاری
تولید لوازم رول اوسیل	تولید لوازم اوسیل	۶۰/۱	واگذاری
لوره آلومینیوم اراک	تولید آلومینیوم	۱۰۰	واگذاری
پوش	لوازم اوسیل	۲۵	واگذاری
تولید واگن اوسیل	واگن اوسیل	۶۰/۱	واگذاری

محل: سازمان صنعت و معدن و تجارت استان تهران - گزارش عملکرد واگذاری در ارتباط با شرکت های خصوصی شده

نوع: پوش، لوره، ص ۳۷

به نقل از: بهمن، ص ۳۷

خصوصی‌سازی در ایران معتقد است که مالکیت مشترک، روابط مدیریتی نزدیک، و داد و ستدهای بین سازمانی بین بانک‌های تجاری، سازمان صنایع ملی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع و شرکت‌های سرمایه‌گذاری دستیابی به تصویری روشن و دقیق از فرآیند خصوصی‌سازی اجرا شده توسط این سازمان‌های دولتی را دشوار می‌سازد. مالکیت متقاطع چشمگیری در انواع شرکت‌ها در این سازمان‌ها وجود دارد. افزون بر این، بانک‌های تجاری، اغلب خطر اعتباری مستقیمی در همان شرکت‌هایی دارند که شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به آن‌ها از سهام عمده برخوردارند. به سبب آمیزش تعاریف دقیق مربوط به مولفه‌های کنترل مستقیم یا غیرمستقیم و حتی آنچه خصوصی در نظر گرفته می‌شود، در برابر آنچه عمومی است، این تصویر بیشتر مغشوش می‌شود، بسیاری از بانک‌ها وقتی روابط شان به نحو مناسبی متراکم می‌شود، می‌توانند بر محدودیت‌های خطرپذیری قانونی‌شان غلبه یابند.^{۱۹}

۴.۲. عملکرد مالی/عملیاتی شرکت‌های خصوصی‌سازی شده

یکی از روش‌های ارزیابی سیاست خصوصی‌سازی، مقایسه تطبیقی وضعیت بنگاه‌های خصوصی‌سازی شده در دو دوره پیش و پس از خصوصی‌سازی است. این مقایسه می‌تواند بر حسب شاخص‌هایی چون درصد استفاده از ظرفیت اسمی، سود قبل از کسر مالیات، فروش، نسبت بازدهی، اشتغال، سود سرانه، فروش سرانه، سودآوری عملکرد، نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، بازده جمع دارایی‌ها، نسبت بهای تمام شده به فروش، نسبت دارایی‌ها به حقوق صاحبان سهام و نسبت سود خالص به فروش صورت گیرد.^{۲۰}

روش دیگری که می‌توان به کار برد عبارت است از اندازه‌گیری تأثیر تصمیم‌های مدیریتی بر عملکرد شرکت. در این روش می‌توان تأثیر عوامل مؤثر بر تصمیم‌های مدیریتی را به عنوان متغیرهای مستقل (X) بر متغیر بازده حقوق صاحبان سهام، در قالب معادله‌ای، برآورد کرد. در این روش، برای مثال، می‌توان از متغیرهایی چون اهرم مالی، نسبت گردش دارایی‌ها، نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها، گردش موجودی‌های مواد و کالا، نسبت کالا به سرمایه در گردش و متوسط وصول مطالبات به عنوان متغیرهای مستقل و از بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر وابسته استفاده کرد و با استفاده از فنون اقتصادسنجی معادله را برآورد کرد.

مطالعات انجام شده بر مبنای مقایسه تطبیقی وضعیت شرکت‌ها در دو دوره پیش و پس از خصوصی‌سازی نتایج مختلفی را نشان می‌دهد. در مطالعه‌ای، خلاصه مقایسه سه نسبت اساسی ارزیابی عملکرد شرکت‌ها بر اساس ارزش دفتری دارایی‌ها و بدهی‌های شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی نشان می‌دهد که در مورد صنایع نساجی، مواد غذایی، محصولات شیمیایی و محصولات کاغذی وضع بهتر شده است. (جدول شماره ۷)

خلاصه مقایسه سه نسبت ارزیابی عملکرد شرکت‌ها بر اساس ارزش جاری جمع دارایی‌های شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی نشان می‌دهد که در مورد صنایع نساجی، محصولات غذایی، ماشین‌آلات و تجهیزات، وسایل ارتباطی عملکرد بهتر شده است، اما بازده حقوق صاحبان سهام بهبودی را نشان نمی‌دهد (جدول شماره ۸)

در این مطالعه، همچنین با استفاده از تکنیک آماری آنالیز واریانس و روش غیرپارامتریک مان و رتینی معنی‌داری فرضیه‌های مورد آزمون (تفاوت در میزان بهبود شرکت‌های واگذار شده، تأثیر مثبت خصوصی‌سازی بر استفاده کارآفر از منابع و تأثیر مثبت خصوصی‌سازی بر ساختار مالی) بررسی شده و این نتیجه حاصل شده است که بهبود و تفاوت‌های مشاهده شده در نسبت‌های مالی محاسبه شده (مدل عملکرد شرکت)، معنی‌دار نیست و فرضیه‌های تحقیق رد گردیده‌اند.^{۲۱}

در مطالعه‌ای دیگر که به روش مقایسه تطبیقی دوره پیش و پس از خصوصی‌سازی و با نمونه‌ای از ۳۱ شرکت خصوصی شده طی دوره (۶۸-۷۳) انجام گرفته نتایج زیر به دست آمده است:

۱- شاخص سود سرانه ۲۵ بنگاه افزایش، ۲ بنگاه کاهش و ۲ بنگاه نامشخص.

۲- شاخص فروش سرانه ۲۶ بنگاه افزایش، بنگاه کاهش و ۴ بنگاه نامشخص.

۳- نسبت بازدهی ۲ بنگاه افزایش، ۱۷ بنگاه کاهش و ۲۲ بنگاه نامشخص.

۴- نسبت سود به فروش ۱۸ بنگاه افزایش، و ۱۳ بنگاه کاهش یافته است.

۵- درصد استفاده از ظرفیت اسمی ۴ بنگاه افزایش، ۱۰ بنگاه کاهش و ۱۷ بنگاه نامشخص است. (جدول شماره ۹ و ۱۰)

در این مطالعه، همچنین عملکرد بنگاه‌های خصوصی‌سازی شده به روش مذاکره (مزایده) نیز بررسی شده است. در جدول شماره (۱۱)، نمونه مورد بررسی با اطلاعاتی درباره زمینه فعالیت و ماهیت کالای تولیدی این بنگاه‌ها و درصد سهام واگذار شده آن‌ها درج شده است.

این مطالعه در توضیح علت افزایش شاخص‌های مربوط به عملکرد سود معتقد است که صرفاً در نتیجه افزایش تولید و آن هم به دلیل خصوصی شدن شرکت نمی‌باشد، بلکه افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم موجود طی سال‌های اجرای سیاست خصوصی‌سازی (۷۳-۱۳۷۰) تأثیر بسزایی در افزایش شاخص مذکور داشته است.^{۲۲}

بررسی عملکرد این شرکت‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های تولید و تولید سرانه ۳ بنگاه افزایش و ۲ بنگاه کاهش داشته است. شاخص‌های فروش و فروش سرانه هر پنج بنگاه افزایش یافته و شاخص اشتغال ۴ بنگاه افزایش و یک بنگاه کاهش یافته است. نسبت سود به فروش (سودآوری عملکرد) نیز در سه مورد کاهش داشته است.

بررسی تطبیقی شاخص سودآوری عملکرد کل بنگاه‌های واگذار شده حاوی نکته بسیار مهمی است و اینکه عملکرد شاخص سود در شرکت‌هایی که سهام آن‌ها از طریق بازار بورس به بخش غیردولتی واگذار شده است به مراتب بهتر از شرکت‌هایی است که از طریق دیگری چون مذاکره یا مزایده به بخش خصوصی عرضه و واگذار شده‌اند.^{۲۳}

۵. خلاصه

خصوصی‌سازی سیاستی است که به فرض کارآمد بودنش در برخی از شرایط، اثرگذاری آن در عمل تابعی است از عوامل مختلف،

از جمله تأمین شرایط نهادی. این سیاست بدون چنین تمهیدی، اثرگذاری اقتصادی خود را از دست می‌دهد و به ابزاری در جهت تأمین مالی دولت تبدیل می‌شود.

بررسی این مقاله نشان می‌دهد که سیاست خصوصی‌سازی در ایران به عللی چند ناتوان از تأمین اهداف اقتصادی بوده است. اول اینکه، به علت نبود نهاد مالی و سازمانی قوی، واگذاری‌های انجام شده تنها ترکیب دارایی‌های دولت را تغییر داده است (بانک‌ها خریداران مهم سهام شرکت‌های واگذار شده بوده‌اند)؛ دوم اینکه درصد مهمی از واگذاری‌ها به صورت مزایده و مذاکره صورت گرفته که چندان در راستای اهداف اقتصادی این سیاست قرار ندارد؛ سوم اینکه، در امر واگذاری‌ها نوعی تبعیض اعمال شده و بنگاه‌های وابسته به نهادهای مختلف خصوصی نشده‌اند. چهارم این که عملکرد برخی از شرکت‌های واگذار شده، بر مبنای شاخص‌هایی چون بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت بازدهی، تولید و تولید سرانه، اشتغال و... بهتر و برخی دیگر بدتر شده است. این بررسی‌ها نشان می‌دهند که اولاً، بهتر شدن عملکرد برخی از شرکت‌ها ممکن است تحت تأثیر تحولات اقتصادی باشد و ثانیاً، خصوصی‌سازی نوش‌دارویی نیست که عملکرد تمام شرکت‌ها را بهبود بخشد.

۱۳۷۸.

۸ - ر.ک به: فصل دهم:

دایانا هانت، نظریه‌های اقتصاد توسعه، تحلیلی از الگوهای رقیب، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.

۹ - ر.ک به: بهزاد یغمائی، "جهانی شدن سرمایه"، ترجمه معصومه صالحی امین، روزنامه اخبار اقتصاد، ۱۳۷۸/۱۲/۱.

همینطور ر.ک به فصل هفتم (اطلاعات و تجدید ساختار: پس از فوردیسم): فرانک ویستر، نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی، ترجمه اسماعیل قدیمی، تهران: قاصد سرا، ۱۳۸۰.

۱۰ - بانک جهانی طی دهه ۱۹۹۰ با چرخش از رویکرد بازارگرا به رویکردی که آن را نگاه دوستانه به بازار (Market Friendly Approach) می‌نامد به این تقسیم کار تأکید و از نقش مهم دولت دفاع می‌کند. ر.ک به:

Word Bank (1993) East Asian Miracle؛ همینطور: بانک جهانی، نقش دولت در جهان در حال تحول، ترجمه گروه مترجمین، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۹.

۱۱ - منبع پیشین، درس‌هایی از خصوصی‌سازی، ص ۲۶.

۱۲ - بانک جهانی، "مروری بر یک تجربه، خصوصی‌سازی در ایران"، بورس، شماره ۸.

۱۳ - احمد سیف، "دولت باید هدف درآمد آفرینی خصوصی‌سازی را کنار بگذارد"، پیام امروز، اردیبهشت ۷۷.

۱۴ - ر.ک به: فصل دوازدهم منبع پیشین: اقتصادشناسی توسعه نیافتگی؛ همینطور: منبع پیشین، درس‌هایی از خصوصی‌سازی، ص ۲۳۰.

۱۵ - برای اطلاع بیشتر از جزئیات و سابقه این روش که برای اولین بار در مورد قیمت‌گذاری تلفن و سایر خدمات ارتباطات راه دور مطرح شده، ر.ک به:

'Review of the Price Cap on Certain Telecommunications Services', Office of the Director of Telecommunications Regulation, March 2002.

۱۶ - برای اطلاع بیشتر ر.ک به: کیت گرiffin، راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه حسین راغفر، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.

۱۷ - البته، تجربه خصوصی‌سازی در ایران نشان می‌دهد که در برخی موارد دولت بدون اعمال قید حفظ نیروی کار در قراردادهای واگذاری، بنگاه‌ها را به ارزشی کمتر از ارزش زمین و ساختمان آن‌ها واگذار کرده است که نتیجه آن تعطیلی این بنگاه‌ها و استفاده از زمین و ساختمان آن‌ها در امور دیگر بوده است.

۱۸ - بهمن آرمان، "مروری بر کارکرد و ریشه‌های ناکامی خصوصی‌سازی در ایران" به نقل از: احمد میدری، "جایگزین‌ها برای خصوصی‌سازی"، مرکز پژوهش‌های مجلس، فروردین ۱۳۷۸، ص ۵.

۱۹ - بانک جهانی، "بررسی تجربه خصوصی‌سازی، مورد ایران"، بورس، شماره ۸، ص ۲۷.

۲۰ - برای اطلاع بیشتر ر.ک به:

- اکبر کمیجانی و مهتری رحیمی‌فر، "ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی از طریق شاخص‌های مالی/عملیاتی شرکت‌های واگذار شده"، اقتصاد و مدیریت، بهار ۱۳۷۷ شماره ۳۶.

- رضا شهابنگ و رضا نظری، "ارزیابی آثار خصوصی‌سازی بر عملکرد و بازدهی شرکت‌های واگذار شده به بخش خصوصی"، اقتصاد و مدیریت، پاییز ۱۳۷۸، شماره ۴۲.

۲۱ - پیشین، ص ۷۵.

۲۲ - منبع پیشین، "ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی از طریق شاخص‌های مالی / عملیاتی شرکت‌های واگذار شده"، ص ۳۰.

۲۳ - پیشین، ص ۲۸.

پی‌نوشت‌ها:

1- Vito Tanzi, The Role of the State and the Quality of the Public Sector, IMF Working Paper, March 2000, p.23

2- Douglas North, 'Economic Performance Through Time, Lecture to the Memory of Alfred Nobel', The American Economic Review, Vol 84, June 1994, p.366.

۳ - برای اطلاع بیشتر ر.ک به: سازمان بین‌المللی کار، درس‌هایی از خصوصی‌سازی، ترجمه علی دینی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸، ص ص ۲۴-۲۵.

۴ - برای اطلاع بیشتر ر.ک به: منبع پیشین، ص ۲۵.

۵ - سازمان برنامه و بودجه خصوصی‌سازی، شهریور ۱۳۷۲. برای مطالعه بیشتر درباره جزئیات هر کدام از این روش‌ها و همینطور عملکرد تجربه‌های مختلف هر کدام از روش‌ها ر.ک به:

سازمان بین‌المللی کار، مدیریت خصوصی‌سازی، ترجمه حسین اکبری و دردانه داوری، تهران: ۱۳۸۰.

۶ - میلتون فریدمن، رز فریدمن، آزادی انتخاب، ترجمه حسین حکیم‌زاده چهرمی، تهران: نشر پارس، ۱۳۶۷، ص ۶۰. فریدمن علاوه بر این کتاب در دیگر کتاب آکادمیک‌تر نیز به این موضوع به تفصیل پرداخته است. ر.ک به فصل اول: میلتون فریدمن، سرمایه‌داری و آزادی، ترجمه غلامرضا رشیدی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

۷ - ر.ک به: فصل دوازدهم:

دیوید کلمن و فورد نیکسون، اقتصاد شناسی توسعه نیافتگی، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر وثقی، ۱۳۷۸ و همینطور: آن کروگر، اقتصاد سیاسی جامعه رانت‌جو، ترجمه لیلا آقا میرکلایی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی،